گزارش عینی از کازینوهای زیرزمینی شهر

شبی با انتحاری ها

ترابینی

صدیقی

اصلاً شبیه محل زندگی نیست؛ این محل با سایر مکان ها متفاوت است. کارت می اندازند، مهره جا به جا می کنند و با دست خود خنجر بر قلب زندگی شان می زنند. جایی که پول حرف اول را می زند و اسکناس های تا نشده رد و بدل می شود.

معامله گر هستند اما زندگی خودشان را معامله می کنند. گویی یکی از شعبه های بانک در این جا مستقر است که هر دقیقه و ساعت میلیون ها تومان دست به دست می شود. یکی می برد و دیگری می بازد.

این قدر بازی می کنند تا این که یا پولدار شوند یا همه دار و ندارشان را ببازند. بعد از آن هم با جیب خالی و پای پیاده راهی کاشانه شان می شوند. بازی وسوسه انگیزی که سقف خانه خیلی از قماربازها را ویران کرده است؛ یک بازی دو سر باخت.

این جا به گفته اهل فن مکان «انتحاری ها» یا همان قمارخانه است؛ کازینوهای زیرزمینی که اکثر شب ها در حاشیه و مکان های خلوت شهر برقرار می شوند. از ۱۵ ساله گرفته تا پیرمرد مو سپید کرده در این قمارخانه ها حضور دارند. فقط حرفه ای ها در این بازی ها شرکت می کنند. قمار بازی تنها یک بازی معمولی که در آن پول معامله می شود نیست، قوانین و اصطلاحاتی دارد.

میزی بزرگ در وسط خانه قرار دارد که روی آن مهره، تاس و کارت چیده شده است. افراد زیادی ازگروه ۲، ۵ تا ۲۰ نفره دور آن جمع می شوند و با بازی هایی زندگی خودشان را قمار می کنند.

عقربه ها ساعت ۲۰ را نشانه گرفته اند. به همراه راه بلدمان وارد خانه می شویم که البته یک ساختمان قدیمی در حاشیه شهر بجنورد است.

همه چیز بوی قمار می دهد. صحبت ها از جنس برد و باخت است و قانون قماربازها مانند فضای داخل خانه مه آلود و رمزآلود است. فقط قماربازهای حرفه ای حق وارد شدن به این خانه ها را دارند.

گاهی پول پارو می کنند و گاهی هم جیب شان مثل رخسارشان رنگ پریده می شود. هر کدام یا به اصطلاح هر گروه با یک بازی مشغول قمار هستند. گروه ها از ۲ ، ۵ یا ۲۰ نفر تشکیل می شوند. قلیان و پیک نیک بساط دودی شان هم عالمی دیگر دارد و مثل بازی قمارشان پر حرارت و خانمان سوز است. هر بازی قوانین خودش را دارد. خانه متعلق به یک نفر است که قمار بازها او را «تلکچی» صدا می زنند.

هیچ کس حق زیر پا گذاشتن قوانین بازی را ندارد حتی اگر زندگی اش را ببازد. پول های بازی از ۲۰ هزار تومان شروع می شود و به یک میلیون تومان هم می رسد. میدان دار، یک مرد مو سپید کرده است که اطرافیان او را بی مخ و کله خراب صدا می زنند چون چهره اش خیلی جدی است و اصلا در حین قمار پلک نمی زند! البته هیچ کس پلک نمی زند. گاهی سکوت مرگباری فضا را پر می کند و گاهی هم به خاطر باخت سنگین برخی شرکت کنندگان فضا متشنج می شود و تا مرز درگیری پیش می رود و سکوت شب شکسته می شود.

اکثر شرکت کنندگان یک دشنه پنهان در آستین دارند و منتظر یک جرقه و حرکت غیرحرفه ای از سوی طرف مقابل هستند تا روی هم خنجر بکشند و گاهی خونی هم ریخته می شود. البته طبق قانون قماربازها فرد شرکت کننده باید جنبه برد و باخت داشته باشد و از قوانین تمکین کند وگرنه از همه کازینوها حذف خواهد شد.

در این میان نگاهم به دستان قماربازها قفل می شود که مانند چشمان عقاب دستان یکدیگر را زیر نظر دارند تا با یک اشتباه به اصطلاح شوربخت و خوشبخت در چند دقیقه معلوم شود.

پول ها جیب به جیب می شود و نگاه های بازنده ها یک دنیا حرف دارد و چهره های شان همچون سیاهی شب می شود. معمولاً بعد از چند بار بازی، کارت های قدیمی با کارت های جدید عوض می شوند چون به گفته قماربازها خیلی زود هویت کارت ها از سوی قماربازهای حرفه ای مشخص می شود. بعد از اتمام هر دور بازی «تلکچی» درصد خودش را از برنده می گیرد. این قانون تا هر موقع از شب که بازی ادامه داشته باشد پا برجاست.

شاید بعد از پایان بازی قماربازها تنها کسی که خوشحال میدان است و لبخند به لب دارد همان «تلکچی» باشد که جیب اش با خالی شدن جیب شرکت کنندگان پر می شود. یک قمار باز حرفه ای که به گفته خودش پیر این کار است و به قمار اعتیاد پیدا کرده است می گوید: «در بازی قمار همیشه برنده نیستی؛ گاهی می بازی تا ریال آخر. پول قمار در دستت امانت است و به درد نمی خورد چون از فردایت خبر نداری و شاید امشب که ۱۰ میلیون تومان برده ای شب دیگر ۱۰ میلیون تومان از دستت برود یا بیشتر از آن هم ببازی.

سر همه چیز از ماشین، خانه، موتورسیکلت و غیره قمار می شود. آدم های سرشناسی را می شناسم که سر قمار از هستی ساقط شدند و زندگی شان تار و مار شد». عقربه های ساعت بی توجه به جو خانه همچنان در حال تیک تاک هستند و جلو می روند و در این بین افراد دیگری نیز به جمع حاضران اضافه می شوند.

ابتدا خودشان را با دود مواد به اصطلاح شارژ و به نوعی گرم می کنند و بعد از آن وارد گود بازی دو سر باخت قمار می شوند. بیشترین چیزی که نگاهم را به خودش جلب می کند خرافاتی بودن اکثر شرکت کنندگان است. آن ها از هر چیزی از تاس و دستبند گرفته تا حتی رنگ لباس و غیره که به گفته خودشان آمد داشته باشد استفاده می کنند تا مثلاً بخت با آن ها یار شود و پول پارو کنند. قماربازها هیچ وقت قبول نمی کنند که قمار یک بازی بی رحم است چون در یک لحظه هست و نیست ات را از تو می گیرد و خانه آرزوهایت را روی سرت آوار می کند. یکی دیگر از قماربازهای حرفه ای که به گفته خودش زندگی اش را سر قمار گذاشته است می گوید: «به خاطر بازی قمار، زندگی مشترک و همسرم را از دست دادم. البته این موضوع تنها مختص من نمی شود و خیلی ها این گونه هستند. این قدر معتاد قمار شدم تا این که خانه و ماشین ام را سر این بازی بی رحم گذاشتم و همسرم سر این ماجرا از من برید. البته حق هم داشت چون به چه چیزی باید دلش را خوش می کرد؛ به شوهری که حتی حاضر بود لباس تن خودش را هم قمار کند؟ این بار آمده ام سر تنها دارایی ام که گوشی تلفن همراهم است قمار کنم، هر چه پیش آید، خوش آید چون به ته خط رسیده ام». او به طنز به ایجاد اشتغال برای برخی ها در این کازینو های شبانه از جمله تلکچی، فروشنده سیگار و مواد و نزول دهنده پول اشاره می کند.

با گذشت چند ساعت از بازی قماربازها پول های جیب برخی شرکت کنندگان ته می کشد. حالا نوبت دستگاه کارت خوان یکی از حاضران در جلسه است که نقش عابر بانک را برای قماربازها ایفا می کند.

طبق قرارداد نانوشته صاحب دستگاه کارت خوان، کارمزد هر ۱۰۰ هزار تومان پرداختی، ۱۰ هزار تومان است که دریافت کننده باید پرداخت کند. شب از نیمه گذشته، یا باید میدان را برای رقبا خالی کند یا با گرفتن پول همچنان به قمار زندگی اش ادامه دهد. «تلکچی» یا صاحب مکان نیز با دریافت پول از هر شرکت کننده ای به یک پیک موتوری حاضر در مکان سفارش غذا می دهد تا بساط شام را بچیند.

البته چیز مجانی در دورهمی قماربازها رد و بدل نمی شود و از یک نخ سیگار گرفته تا یک بطری آب معدنی و سایر موارد همگی هزینه دارد.

در این بین متوجه یک شرکت کننده می شوم که فروشنده عمده برخی وسایل بوده و از قضا همه آن ها را سر قمار باخته است. حالا سر تنها دارایی اش که یک موتورسیکلت است مهیای بازی قمار می شود و به گفته قماربازها آماده انتحار است؛ یا مرگ یا زندگی! نفس ها در سینه شرکت کننده حبس می شود، سکوت شب فریاد می زند و تنها صدایی که شنیده می شود تیک تاک ساعت دیواری زهوار در رفته خانه است. بازی با کشیدن هر کارت از دست میدان دار آغاز می شود و در عرض چند دقیقه عدد کارت ها نشان از شوربختی فروشنده قمارباز و برخی دیگر از شرکت کنندگان می دهد و برای همیشه صدای موتورسیکلت از ذهن بازنده پر می کشد. چهره مرد قمارباز چنان برافروخته می شود که وسایل بازی قمار را محکم به زمین می کوبد. یک سیگار چاق می کند و تند تند بر آن پک می زند و قورت نداده دود ها را بیرون می دهد.

همه نظاره گر مرد میان سال می شوند که زندگی اش را قمار کرده و به یک بازنده تمام عیار تبدیل شده است. مات و مبهوت فقط به او خیره می شوم که چقدر اعتیاد به بازی قمار خطرناک است و آدمی را به حدی از جنون می رساند که دست به انتحار می زند.

مرد بازنده با چهره کبود شده از خانه جهنمی خارج می شود و پیاده در ظلمات شب به راه بی پایان خودش ادامه می دهد و در تاریکی گم می شود. چندی است که چنین مجالس قماری در خانه های خصوصی در برخی حاشیه های شهر برگزار می شود و به دلیل خصوصی بودن این مراکز احتمالاً حراج زندگی از دید عموم و مسئولان مخفی مانده است؛ مجالسی که افراد زیادی از جمله جوانان را به سوی تباهی کشانده است و می کشاند.

> حالا سر تنها دارایی اش که یک موتورسیکلت است مهیای بازی قمار می‌شود و به گفته قماربازها آماده انتحار است؛ یا مرگ یا زندگی! نفس ها در سینه شرکت کننده حبس می شود، سکوت شب فریاد می زند و تنها صدایی که شنیده می شود تیک تاک ساعت دیواری زهوار در رفته خانه است

گفت و گو

اختلالات ضد اجتماعی قماربازها

صدیقی

قماربازهایی که وارد این حیطه و بازی دو سرباخت می شوند دچار اختلالات شخصیتی، روانی و ضد اجتماعی هستند. به گفته یک روان شناس، اکثر افرادی از این قبیل که وارد کارهای ضد فرهنگی، قانونی و شرعی می شوند دچار چنین شخصیت هایی هستند و می خواهند راه صدساله را یک شبه طی کنند و به آرزوهای پوچ خود برسند که البته آن چه عیان است چه بازنده و چه برنده در حقیقت بازنده هستند.

«طالبی» اضافه می کند: اکثر قماربازها از خانواده های شکست خورده و بحران زده هستند. به گفته این روان شناس، شخصیت قماربازها بیشتر از دوران کودکی که دارای اختلالات شخصیتی و ضد اجتماعی هستند شکل می گیرد و در گذر زمان و در بزرگ سالی دست به چنین کارهای ضداخلاقی و ضد قانونی می زنند.

«طالبی» سرمنشأ مالی این گونه محافل را پول های بادآورده ای که به واسطه ارث رسیدن یا یک معامله غیر اصولی و غیره به دست می آیند، می داند که افراد بزهکار با شرکت در چنین کازینوهای زیرزمینی در حقیقت بی کفایتی خودشان را به نمایش می گذارند. البته این کارشناس ارشد روان شناسی، اعتیاد، نبود راهنمای دلسوز و طمع را از علل دیگر افتادن قماربازها در این مسیر ذکر می کند. او خاطرنشان می کند: اکثر شرکت کنندگان در چنین محافلی عاقبتی جز سرخوردگی، درگیر شدن با مشکلات اجتماعی و قانونی و از همه مهم تر متلاشی شدن زندگی شان ندارند.

آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)
دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد در نظر دارد محل تایپ و تکثیر دانشجویی خود واقع در سایت واحد را از طریق مزایده عمومی به صورت اجاره واگذار نماید:
لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت میشود با واریز مبلغ ۲۰۰.۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به شماره حساب ۱۰۵۷۴۲۸۷۳۰۰۷ نزد بانک ملی به نام دانشگاه آزاداسلامی واحد بجنورد حداکثر تا ۱۰ روز کاری پس از انتشار آگهی در ساعات اداری جهت خرید،تکمیل و ارسال اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت به آدرس بجنورد- خیابان دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد نزد مدیراداری مراجعه نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۹۲ – ۲۲۹۶۹۸۲ – ۰۵۸۳ داخلی ۱۲۳۶ تماس حاصل فرمایید.
- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است .
- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
۹۸۰۸۱۲۲۵/و

آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)
دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد در نظر دارد محل بوفه دانشجویی خود واقع در سایت واحد را از طریق مزایده عمومی به صورت اجاره واگذار نماید:
لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت میشود با واریز مبلغ ۲۰۰.۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به شماره حساب ۱۰۵۷۴۲۸۷۳۰۰۷ نزد بانک ملی به نام دانشگاه آزاداسلامی واحد بجنورد حداکثر تا ۱۰ روز کاری پس از انتشار آگهی در ساعات اداری جهت خرید،تکمیل و ارسال اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت به آدرس بجنورد- خیابان دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد نزد مدیراداری مراجعه نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۹۲ – ۲۲۹۶۹۸۲ – ۰۵۸۳ داخلی ۱۲۳۶ تماس حاصل فرمایید.
- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
۹۸۰۸۱۲۲۳/و

۹۸۰۶۰۵۲۱/و